

بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار و همه جانبه کشورهای توسعه نیافته سیدماکان صداقت^۱، حسین شریفی طرازکوهی^۲، احمد شمس^۳، سعید منصوری^۴

چکیده

امروزه تلاش برای دست یافتن به جایگاهی بهتر در اقتصاد جهانی، بخش مهمی از مبارزه برای توسعه می باشد. بحث بهبود رفاه در قالب نظریه مزیت نسبی مطرح می شود؛ یعنی هر کشوری که بهترین کارکرد خود را محور قرار دهد، به بهترین نتیجه می رسد. سؤال اصلی این تحقیق این است که اعلامیه حق توسعه چگونه بر توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه اثر گذار است. مطالعه از نوع اسنادی و کیفی از نوع فرا مطالعه است زیرا یافته ها غیر پارامتریک است و اطلاعات موجود با استفاده از روش فرا تحلیل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. مهم ترین ابزار جمع آوری اطلاعات فیش و تکنیک تحلیل محتوا است که با مراجعه به همه منابع شناسایی شده، اطلاعات مهم و مورد نیاز جمع آوری شده اند. منابع مورد استفاده مشتمل بر ۵۹ کتاب، ۹۳ مقاله و ۸۰ کنوانسیون، اعلامیه و قانون است. در مطالعه حاضر مقولات تعهدات حقوقی اقتصادی - اجتماعی ناشی از حق توسعه، سرمایه گذاری خارجی مستقیم، موانع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه در کشورهای در حال توسعه، مقوله های اصلی هستند. نتایج تحقیق نشان داد که پرثمرترین فعالیت هر کشوری، فعالیت است که با منابع و عوامل موجود در آن کشور هم سازتر باشد. حق توسعه موجب ارتقا توانمندی نیروی انسانی شده و کمک کشورهای توسعه یافته به کشورهای توسعه نیافته می تواند آنها از چرخه فقر رها ساختا و در مسیر توسعه قرار دهد. نتایج همچنین نشان داد که حق توسعه از طریق کمک به آموزش، توانمند سازی زنان، توجه به حقوق کودکان و سرمایه گذاری خارجی می تواند به عنوان مکانیسمی در جهت سوق کشورهای توسعه نیافته به مسیر توسعه یافتگی یاری رساند.

واژگان کلیدی: حق توسعه، توسعه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی، توسعه انسانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران
^۲ استاد گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):
hsharifit@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
^۴ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

مقدمه:

توسعه اساساً یک مفهوم اقتصادی است که حاوی مفاهیم مثبت است؛ در واقع این مفهوم شامل اعمال برخی اقدامات اقتصادی و فنی برای استفاده از منابع موجود در راستای تحریک رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم است. در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی قرن بیستم مفهوم توسعه بطور گسترده به توسعه اقتصادی باز می گشت و رشد کمی بیش از رشد کیفی مدنظر قرار داشت (رابی^۱، ۲۰۱۶: ۱۸). در واقع آنچه که در این دوران مشاهده می شود همانا توجه بیش از پیش دولتها به مقوله توسعه در ابعاد و مقیاس کمی گسترده است بدون توجه به فراهم بودن یا نبودن ساختارهای لازم برای نیل به این اهداف، به عبارت بهتر صنعت در مقیاس بزرگ در حال رشد بود اما این رشد تاثیر به سزایی بر کیفیت زندگی نوع بشر نداشت. در نتیجه، نظریه های توسعه به منظور فعال کردن و سرعت بخشیدن به روند رشد اقتصادی طراحی شده و مدل الگوی توسعه غربی به عنوان نمونه ای بی بدیل به کشورهای در حال توسعه بدون توجه به خواستگاه های فرهنگی و اجتماعی این کشورها معرفی گردید. در این دوران از تکیه صرف بر اقتصاد کشاورزی کاسته می شود و همه چیز حتی کشاورزی صنعتی می گردد و تجارت و بازاریابی نقش به سزایی را به خود اختصاص می دهد و اتفاقاً در همین دوران است که مشخص می شود که تعریف رایج ارائه شده برای مفهوم توسعه اقتصادی^۲ اشتباه بوده است. اگر فرهنگ به عنوان حامی و پشتیبان، پشت سر توسعه اقتصادی حرکت کند می توان حتی بدون پول یا برنامه از پیش طراحی شده وارد عملیات اجرایی توسعه شد اما بدون آن قطعاً مشکلات بسیاری پیش خواهد آمد.

از دهه ۷۰ میلادی به بعد بود که مفهوم جدیدی از توسعه منطبق با هنجارها و اصول فرهنگی و اجتماعی معرفی گردید که از آن به عنوان توسعه پایدار^۳ یاد شد و در این مفهوم جدید دولتها در کنار توسعه اقتصادی باید در حفظ منابع زیرزمینی و طبیعی و امور اجتماعی و فرهنگی نیز تمرکز می نمودند و برای اولین بار عملاً توسعه به مثابه یک بنیاد چندوجهی در عرصه بین الملل معرفی گردید. در ۱۹۸۷، گزارش براندتلند^۴ منتشر گردید و در این گزارش برای اولین بار توسعه پایدار به عنوان مفهوم و مبنای اصلی توسعه معرفی گردید و همزمان با این گزارش بانک جهانی و دیگر

^۱ Rabie

^۲ Economic Growth

^۳ Sustainable Development

^۴ Brundtland Report

سازمانهای بین المللی نیز به این مفهوم توجه بیشتری نمودند. این گزارش درباره از بین رفتن منابع طبیعی هشدار می دهد و در آن از همه دولتها می خواهد که سیاستهای رشد اقتصادی اتخاذ نمایند که حداقل آسیب را به منابع طبیعی وارد نماید و منافع نسلهای آینده در استفاده از این منابع را حفظ نماید. در این گزارش اشاره می شود که بحث توسعه بحثی کمی و کیفی است و پیشبرد همزمان هر دو بُعد توسعه باعث افزایش رشد اقتصادی و بهبود زندگی افراد خواهد شد. نتیجه آنکه، توسعه در مفهومی پیچیده و چند بُعدی ظاهر می شود که همین پیچیدگی آن مانع از پذیرش جهانی آن از سوی همه دولتها بصورت یک مدل واحد می گردد. نباید فراموش کرد که صحبت کردن از توسعه بدون ارائه تعریف مشخصی از فرایند توسعه و هدف اصلی آن امکان پذیر نخواهد بود:

توسعه فرآیند پیچیده اجتماعی است برای حرکت ملتهای توسعه نیافته که وضعیت اقتصادی عقب افتاده و تغییرات اجتماعی آرام دارند، به اقتصادی پویا و فعال با رشد اقتصادی سالیانه مناسب و تغییرات سیاسی-اجتماعی موثر که کیفیت زندگی همه افراد جامعه در آن تضمین شود، می باشد(همان:۱۹).

به همین ترتیب، افراد به عوامل اصلی توسعه تبدیل شده و بیشترین منافع ممکن از تغییرات حاصل شده به واسطه فرآیند توسعه نصیبشان می شود. جوزف استیگلیتز معتقد است که توسعه نه تنها تغییرات اقتصادی در زندگی افراد ایجاد می نماید بلکه باعث تغییر زندگی آنها نیز می شود و بر این اساس توسعه شامل همه جنبه های اجتماعی می گردد؛ در واقع توسعه نیازمند همکاری و دخالت تک تک اعضای جامعه با یکدیگر است تا محقق گردد به عبارت بهتر توسعه نیازمند همکاری مشترک بازار، دولت، سازمانهای مردم نهاد، مردم و موسسات غیر انتفاعی با یکدیگر است(استیگلیتز^۱، ۲۰۰۶: ۵۹). این بدان معنا است که هیچ استراتژی توسعه ای محقق و موفق نخواهد بود مگر آنکه توسعه را به عنوان یک فرایند جامع اجتماعی که همه جنبه های زندگی را پوشش میدهد و شامل همه فعالان اصلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه باشد را در نظر بگیریم. از طریق چنین پروسه ای است که جوامع کشاورزی سنتی باید به دنبال ایجاد اقتصادهای مدرن باشند که در آن وابستگی به زمین های کشاورزی کمتر و تولید و خدمات نقش

^۱ Stiglitz

۹۲.....پژوهشهای جامعه‌شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

به مراتب بیشتر و پرننگ تری داشته باشند. به عبارت دیگر، توسعه یک فرآیند است که باعث پیش بردن همزمان اقتصاد و جامعه می‌گردد و در عین حال تمام آحاد جامعه باید اطمینان حاصل کنند که منافع حاصل از توسعه بطور صحیح بین همه تقسیم می‌شود و توسط همه اعضاء قابل برداشت خواهد بود. پس، توسعه تنها زمانی محقق می‌شود که جامعه، ظرفیت بهره‌برداری از توان انسانی موجود و منابع طبیعی بطور موثر جهت بهبود کیفیت زندگی همه شهروندان داشته باشد.

حق بر توسعه یکی دیگر از محورهای نسل سوم حقوق بشر می‌باشد. توسعه مفهومی است که با اهداف مختلف و در عرصه‌های گوناگون به کار رفته است. صرفنظر از برداشت‌های مختلف موجود در مورد این مفهوم، آنچه در تمامی این برداشت‌ها مورد نظر است عبارتست از پیشرفت و بهبود از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب. وضعیت مطلوب از منظر عامه عبارتست از بهبود وضعیت رفاه که مهمترین آن معشیت بوده که دغدغه اصلی دولت‌ها نیز محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر رشد اقتصادی مهمترین عامل در تفسیر توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی یک کشور بوده که با مؤلفه‌های خاص خود از جمله تولید ناخالص ملی و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. در واقع توسعه یافتگی یک کشور بدون رشد اقتصادی معنا و مفهوم نمی‌یابد از این رو دولت‌ها تمایل دارند با تسهیل و گسترش حوزه فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری خود، ضمن بهبود رشد اقتصادی و به تبع آن رفاه اجتماعی مردم، توان نقش آفرینی خود در عرصه بین‌المللی را نیز تقویت نمایند. سؤال اصلی این تحقیق این است که چگونه حق توسعه می‌تواند به کشورهای فقیر و توسعه نیافته کمک کند تا در مسیر توسعه حرکت کنند.

رویکردهای موجود نسبت به حق بر توسعه به شرح ذیل می‌باشند:

- رویکرد جامع‌نگر: این رویکرد مبتنی بر پیوستگی و تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر است.
- رویکرد حق محور: در این رویکرد حق بر توسعه در ارتباط با سایر حقوق بنیادین از جمله حق حیات و حقوق نسل دوم از جمله حق سلامت و ... مورد توجه قرار می‌گیرد.
- رویکرد پایه‌ای: بر اساس این رویکرد احترام به حقوق بشر و توجه به الزامات آن در به کارگیری روشهای تحقق حق توسعه ضروری است.

- رویکرد عدالت محور: در این نگرش نقش حق بر توسعه در رفع و ریشه‌کنی فقر و درنهایت تحقق حقوق بشر تبیین می‌گردد. به عبارت دیگر حق بر توسعه موجبات دسترسی و بهره‌برداری عادلانه و متناسب از امکانات مادی و معنوی در اختیار جامعه جهانی برای نوع بشر (با کنار

گذاشتن نابرابری ها) را فراهم آورده و موجب تعادل اجتماعی شده و حفظ صلح و امنیت بین المللی را در پی خواهد داشت.

- رویکرد مسئولیت گرا: بر اساس این رویکرد در قبال هر حق برای دولت، تکلیفی متصور بوده و دولت ها در قبال حق بر توسعه تکلیف زمینه سازی و بستر سازی تحقق آن را نیز عهده دار می باشند. علاوه بر آن افراد جامعه نیز در برابر بهره مندی از امنیت اجتماعی (که حق فردی محسوب می گردد) دارای وظیفه می باشند. در این رویکرد ممنوعیت یا محدودیت بهره مندی از برخی از حقوق فردی در برخی شرایط و در برابر مصلحت اجتماعی توجیه پذیر می باشد که کارکرد اجتماعی مالکیت از آن جمله می باشد. بر این اساس افراد و دولت ها در قبال حقوق خود از مسئولیت اعم از ناقص یا مسئولیت مدنی و کامل یا مسئولیت مدنی و کیفری برخوردار می باشند.

- رویکرد آموزشی: بر این اساس ایجاد تسهیلات جهت ارتقاء آگاهی عمومی در زمینه حق توسعه می تواند زمینه ایجاد مشارکت عمومی در مسیر تحقق جامعه مدنی جهانی را فراهم آورد (سینگوپتا^۱، ۲۰۰۰: ۵۵۷-۵۵۵).

حق بر توسعه و حق بر محیط زیست، حقوقی هستند که هر دو از اجزاء تشکیل دهنده نسل سوم حقوق بشر در قالب حقوق همبستگی می باشند. لذا بدیهی است که هر دو حق لازمه استمرار حیات بشری و بقای نسل بشر هستند. لیکن بنا به ضرورت ها و نیازهای جوامع و متناسب با دانش و شناخت انسان از محیط پیرامون خود در طول تاریخ بشر مورد توجه قرار گرفته اند، از این رو می توان گفت که التفات به حق بر توسعه در پی رفع نیازهای اولیه بشر و در چهارچوب نیازهای فیزیولوژیک شکل گرفته و توسعه یافته است، لذا از قدمت تاریخی بیشتری نسبت به حقوق محیط زیست برخوردار است (همان: ۵۵۸-۵۵۹). هر چند بشر اولیه برای رفع نیازهای ابتدایی خود نیازمند بهره برداری از محیط پیرامون خود بوده و از سوی دیگر حیات بشر در محیط زیست است که معنا و مفهوم می یابد. لذا ضروری است که به هر دو این حقوق به عنوان حلقه های زنجیره حیات بشری نگریسته شده و از تعاملات مثبت و مؤثر این دو حوزه در جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت بهره گیری شود.

^۱ Sengupta

۹۴.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بررسی مفاد کنوانسیون فوق الذکر نشان دهنده آن است که این حق در هیچ یک از کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی به عنوان حقی مستقل از حقوق بشر ذکر نشده و غالباً در پرتو سایر مصادیق حقوق بشر از جمله حق حیات، حق داشتن محیط زیست سالم، حق به زندگی، حق به سلامتی و ... به آن پرداخته شده است. به عبارت دیگر حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از مؤلفه های حق حیات بوده و خود حقی مستقل محسوب نمی گردد (کراپوین^۱، ۲۰۰۷: ۲۷-۲۵). این موضوع در رویه های قضایی بین المللی موجود در حوزه بین الملل نیز مشهود بوده و ملاحظه می گردد که دستیابی به اهداف زیست محیطی با استناد به حوزه سلامت و بهداشت انسان تعقیب می شود. علیرغم پیشرفت فزاینده حقوق محیط زیست در حقوق داخلی کشورها و حقوق بین الملل، همچنان استنباط بعمل آمده از مفاد اسناد بین المللی زیست محیطی نشان دهنده غلبه نگاه انسان محور در مقوله محیط زیست می باشد. تأکید بر عبارت "حفظ حقوق نسل های آینده بشری" که عبارتی کلیدی در حوزه حقوق محیط زیست محسوب می گردد خود نشان دهنده توجه به "انسان" است (همان: ۲۸). پر واضح است که این نگاه بطور اعم نگرش و رویکردی منفی تلقی نمی گردد. زیرا انسان به عنوان اشرف مخلوقات و تنها موجود زنده ای است که از سطح عالی ادراک برخوردار بوده و دارای قوه تعقل و اندیشه می باشد لذا قادر است تا راجع به محیط پیرامون خود تصمیم گیری و اقدام نماید. منصرف از دیدگاه های مذکور و اینکه حق بر محیط زیست حقی مستقل از حقوق بشری است یا از مؤلفه های دیگر حقوق بشر محسوب می گردد، بی تردید بهره مندی از محیط سالم، حقی است مسلم و غیرقابل انکار که فاقد حوزه جغرافیایی می باشد (هیسکس^۲، ۲۰۰۹: ۲). زیرا محیط زیست بطور اعم فاقد محدودیت و ایستایی بوده و در واقع محیطی پویا است و نیز صرف نظر از تعریف نسل و ...، محیط زیست صرفاً متعلق به نسل های موجود نمی باشد. لذا حفاظت و حمایت از آن با هدف حفظ زنجیره حیات بشری، موضوعی است که اقدامات داخلی دولت ها و اقدامات بین المللی را طلب نموده و جهت استیفای کامل حیات ضروری است.

حق بر توسعه در پرتو حقوق بین الملل تجارت و سرمایه گذاری نسبت به حقوق بین المللی محیط زیست از سابقه تاریخی بیشتری برخوردار است. در حوزه توسعه و اقتصاد این ترجیح به سوی

^۱ Krapivin

^۲ Hiskes

ترجیح حقوق بین الملل بر حقوق داخلی سنگینی می نماید، یعنی دولت ها نمی توانند در قلمرو حاکمیتی خود، قوانین ملی وضع نمایند که با قوانین بین المللی در تعارض باشند از آن جمله می توان به اقدامات تبعیض آمیز و اصل عدم تبعیض اشاره نمود. اصولی که به عنوان اهرم هایی برای کنترل و مدیریت تجارت جهانی در عرصه حقوق داخلی کشورها می باشد. هر چند هیچ سند الزام آور حقوق بشری، حق بر محیط زیست را به عنوان یک اصل مسلم مورد تأکید قرار نداده، لیکن با تبیین مفهوم توسعه پایدار در بیانیه ریو ۱۹۹۲^۱ و تکرار آن در اسناد زیست محیطی و حتی اقتصادی و تجاری در دو دهه اخیر، غیر قابل قبول تفکیک بودن توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست مورد توجه قرار گرفته و لذا جامعه جهانی مقوله حقوق بشر را بیشتر متضمن جنبه های بین المللی می دانند تا جنبه های ملی (کلیمنت^۲، ۲۰۰۵: ۲۶۳).

حق توسعه ابتدا در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. این غیر از آن پنج سال قبلی می باشد که در کمیسیون حقوق بشر بحث های جدی مطرح بود (سنگوپتا^۳، ۲۰۰۰: ۵۵۵). در سال ۱۹۸۱ گروه کاری سازمان ملل متقاعد شد که این مباحث باید سازمانی و نظام مند گردند و از این رو، باید یک گروه کاری جدید از کارشناسان دولت ها در ارتباط با حق توسعه به وجود آید. پنج سال پس از تشکیل این گروه جدید، سازمان ملل اعلامیه ای در مورد حق توسعه تصویب کرد و به کمیسیون مزبور مأموریت داد تا راه های عملی کردن قطع نامه را دنبال کند. در سال ۱۹۹۳ کمیسیون حقوق بشر یک گروه کاری دیگری تعیین کرد تا مفهوم توسعه را مشخص نمایند و راه های ایجاد آن را پیشنهاد کنند. تا تاریخ جولای ۱۹۹۵ آن گروه هیچ پیشرفت مهمی به دست نیاورد (همان: ۵۵۶). البته در زمینه حق توسعه بین حقوقدانان دو دیدگاه وجود دارد، بعضی از محققان معتقدند: در حالی که حق توسعه بدون شک یک حق جامع و غیرقابل انتقال است، ولی فقط یک امر اخلاقی است (رایزسو^۴، ۲۰۱۸: ۱۸-۱۴).

در مقابل، بعضی معتقدند: حق توسعه با ماهیت خودش باید مورد دقت قرار گیرد (همان: ۱۹). حق توسعه بدون چون و چرا یک قاعده آمرانه است. اگر توسعه به عنوان حق بشری پذیرفته شد، دیگر

^۱ Rio Declaration on Environment and Development, ۱۶ June ۱۹۹۲

^۲ Clement

^۳ Sengupta

^۴ Rizescu

۹۶.....پژوهشهای جامعه‌شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

نمی‌توان ملازمه را انکار کرد. پذیرش توسعه به عنوان مفهومی از مفاهیم حقوق بشر و عدم پذیرش توسعه به عنوان یک حق حقوقی امکان ندارد. از آنجا که حق توسعه به معنای حق مردم است تا آزادانه توسعه خودشان را انتخاب کنند، در اعلامیه مربوط به حق توسعه این گونه آمده است: با در نظر گرفتن اصول و اهداف منشور سازمان ملل در ارتباط با به وجود آوردن یک همکاری جهانی در مورد حل مشکلات بین‌المللی ناشی از مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشریت و به منظور تشویق و ترویج احترام برای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون هیچ نوع تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، زبان یا مذهب و با توجه به این که توسعه پروسه و پویای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعی است که در نظر دارد بهبود و توسعه کل جمعیت را بر اساس فعالیت آن‌ها به وجود آورد تا یک همکاری کامل و آزاد در توسعه و تقسیم عادلانه منافع ناشی از آن شود، حق توسعه یکی از حقوق بشری غیرقابل انتقال است که براساس آن، هر شخص حق دارد تا در توسعه سیاسی - فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود مشارکت و همکاری داشته باشد و از این حقوق نیز بهره‌مند شود.^۱

در ماده ۹ نیز می‌گوید: "همه موارد مربوط به حق توسعه، که در این اعلامیه بیان شد، غیرقابل تقسیم و به هم پیوسته است و هر کدام از آنان باید در ارتباط با سایر موارد دیده شود" (همان). از مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که الزامات هنجاری و ساختاری حق توسعه در فرآیند جهانی شدن حقوق بشر بر فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین حقوق سرمایه‌گذار خارجی مؤثر است؛ حق توسعه، حقی چند بُعدی است و کشورها نمی‌توانند تنها با پرداختن به برخی از جنبه‌های آن به اهداف مدنظر خود دست یابند؛ روند جهانی حاکم بر حقوق بین‌الملل بر حق توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به طور خاص تأثیرگذار است؛ و توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی دولت‌ها نمی‌تواند بدون توجه به ابعاد حق توسعه محقق گردد. با توجه به اینکه از یک سو کشورهای در حال توسعه اقتصادشان عمدتاً مبتنی بر فروش یک محصول است و از سوی دیگر عضوی از نظام جهانی هستند و برای حرکت به سوی توسعه پایدار نمی‌توانند قواعد و حقوق جهانی توسعه را نادیده بگیرند، انجام پژوهش حاضر دارای اهمیت و ضرورت است.

^۱ Declaration on the Right to Development, General Assembly Resolution ۴۱/۱۲۸, ۱۹۸۶.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مطالعات زیادی در این خصوص صورت گرفته است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی است که هم‌زمان توسعه اقتصادی و توسعه انسانی را موجب شود. مطالعه نشان می‌دهد دولت‌های در حال توسعه، در زمینه حقوق بین‌المللی انرژی باید تغییر الگو بدهند. این کشورها بایستی سیاست‌هایی اتخاذ کنند که نخست زمینه‌ها و ظرفیت‌های اولیه توسعه اقتصادی آنها را فراهم کند؛ به طوری که بتواند نیازهای اولیه مادی کشور را تأمین کند؛ سپس با رسیدن به حداقل میزان توسعه یافتگی، بایستی سیاست‌های سابق به نحوی پیموده شود که ضمن تحقق توسعه اقتصادی، از طریق افزایش میزان دسترسی به خدمات انرژی، زمینه‌های توسعه انسانی و تحقق سایر مصادیق حقوق بشر را فراهم سازد. آنچه که از جمع بندی منابع داخلی و خارجی حاضر می‌توان استنباط کرد این است که تک بعدی پنداشتن توسعه از سوی دولت‌ها ممکن است بتواند در یک بازه زمانی خاص اهداف از پیش تعیین شده را محقق نماید ولی قطعاً در ادامه کار دولت‌ها را با مشکلات عدیده‌ای که در بالا بدانها اشاره شد روبرو خواهد نمود. پس توسعه امری چند بعدی است و بهترین شکل توسعه که می‌تواند اهداف مدنظر سازمان ملل متحد برای دستیابی به توسعه پایدار را محقق نماید رشد و توسعه متوازن ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی است (عسکری، ۱۳۹۱؛ سیفی و حبیب زاده، ۱۳۹۳؛ خواجهی، ۱۳۹۱؛ سلیمی و ترکمانی، ۱۳۹۷؛ زایدل هوهن فلدر، ۱۳۹۱؛ دایبولد، ۲۰۱۰؛ الیوت، ۲۰۱۳). تمامی این ابعاد به مثابه یک مجموعه در تعامل با یکدیگرند که با عدم ایفا یا کاستی و نقصان در ایفای نقشها توسط هر یک از ابعاد فوق کارکرد سایر حوزه‌ها دچار اختلال شده و می‌تواند کل فرایند توسعه را متأثر سازد.

روش شناسی

مطالعه حاضر از نوع اسنادی است زیرا برای جمع آوری اطلاعات باید به اسناد مرتبط با موضوع تحقیق مراجعه و اطلاعات جمع آوری شود. اسناد در این تحقیق شامل کتب، مقالات، طرح‌های پژوهشی و پایان نامه‌های نگارش شده به فارسی و انگلیسی در رابطه با موضوع مورد مطالعه است. در حال حاضر موجود بودن و دسترسی به منابع فوق از مهمترین محدودیتهای این تحقیق است به همین دلیل تحقیق حاضر بر کلیه منابع فوق که موجود باشند و در بانک‌های اطلاعاتی، اینترنت و اینترنت و هر منبعی که به صورت چاپی قابل شناسایی باشد؛ نمایه شده باشند و محقق بتواند به آنها دسترسی داشته و از آنها استفاده کند، مبتنی است. تحقیق هم چنین تحقیق کیفی از نوع فرا

۹۸.....پژوهشهای جامعه‌شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

مطالعه است زیرا یافته‌ها غیر پارامتریک است و اطلاعات موجود با استفاده از روش فرا تحلیل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در این پژوهش با توجه به روش تحقیق مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش است که با مراجعه به همه منابع شناسایی شده، اطلاعات مهم و مورد نیاز جمع‌آوری می‌شوند. سؤال اصلی و سئوالات فرعی مشخص و بر این اساس متغیرها یا مقوله‌های اصلی تحقیق مشخص شده است. سپس شاخص‌های اصلی مقوله‌های مورد مطالعه معین شده و ارتباط آنها به صورت مدل طراحی گردیده است.

در مطالعه حاضر مقولات تعهدات اقتصادی-اجتماعی ناشی از حق توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موانع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و راهکارهای مناسب برای رفع موانع و برون رفت این کشورها از چالش‌ها هستند. مواد مطرح شده در اعلامیه حق توسعه به طور مستقیم و غیر مستقیم بر توسعه پایدار و همه‌جانبه کلیه کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه دارد. در ماده اول اعلامیه حق توسعه نیز آمده است آمده است که "حق توسعه از حقوق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسان و همه مردم استحقاق مشارکت، سهم شدن و برخورداری توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را دارند به نحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند".

در مقدمه اعلامیه حق توسعه، توسعه این چنین تعریف شده است: "توسعه یک فرایند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامع با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد بر اساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند ایشان در توسعه و در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن".

در ماده دیگر اعلامیه حق توسعه بر "حمایت از کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت توسعه فراگیر آنها" تأکید شده است. با توجه به اهمیت توسعه پایدار که در اعلامیه حق توسعه نیز بر آن تأکید شده است بحث توسعه پایدار و شاخص توسعه اقتصادی در اینجا مطرح شده است. در کنفرانس سازمان ملل در مورد توسعه پایدار (۲۰۱۲ ریو) توسعه پایدار به عنوان فرآیندی تعریف شد که نیازهای فعلی، بدون تخریب تواناییهای نسل آینده برآورده گردد.

شاخصهای مهم و حیاتی در توسعه پایدار شاخصهای زیست محیطی، اجتماعی، توسعه اقتصادی می‌باشند که به آنها پرداخته شده است.

یافته ها

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی - اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید کشور ژاپن بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه‌رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند (اکتون^۱، ۱۹۰۷: ۲۷). البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجائیکه با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مزمحل گردید. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته) شکل گیرند.

توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد (نفزیگر^۲، ۲۰۰۶: ۵۷-۵۹). بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد. توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته،

^۱ Acton

^۲ Nafziger

۱۰۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای در حال توسعه، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است (همان: ۸۸-۸۱). از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی اجتماعی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) شاخص برابری قدرت خرید^۱: از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد (همان، ۳۰-۳۱).

ب) شاخص توسعه انسانی^۲: این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد) و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است)^۳.

ج) استقلال ملی: به این مفهوم که سایر دولت‌ها به میزان زیادی نتوانند بر تصمیمات دولت ملی نفوذ و تاثیر بسزا داشته باشند.

د) شاخص درآمد سرانه^۴: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه‌یافتگی بود و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار است (همان: ۱۸۹).

ذ) حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی: هر چه حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر باشد، جامعه توسعه یافته‌تر است. درجوامع توسعه نیافته، زنان اکثراً در خارج از خانه شاغل نیستند و به این ترتیب نیروی انسانی در این کشورها به نصف کاهش یافته است (همان: ۱۹۱).

^۱ Purchasing-Power Parity

^۲ Human Development Index

^۴ Per-Capita Income

بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار..... | ۱۰ |

ه- افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه کنی فقر) و ایجاد اشتغال اهداف توسعه اقتصادی است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است. البته اهداف توسعه بسیارند، همچنان که در گردهمایی رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل متحد تحت عنوان نشست هزاره، اهدافی برای توسعه کشورها مشخص گردید. در این نشست بیانیه ای تصویب شد که بر مبنای آن کشورها باید به پیشنهاد و اجرای برنامه هایی پردازند که حرکت کشورهای در حال توسعه را در مسیر توسعه یافتگی تسریع بخشد و اهداف توسعه هزاره را محقق سازد. این هدف ها عبارت بودند از: ریشه کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش میزان مرگ و میر کودکان، بهبود تندرستی مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری ها، تضمین پایداری زیست محیطی و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه (آکینباد و کنسلاین^۱، ۲۰۱۳: ۷۷۸).

و- داشتن بازارهای رقابتی قوی، حداقل در بخش های مهم اقتصاد یک کشور اولین و مهمترین لازمه دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار است (آستروی^۲، ۲۰۰۱: ۵۰۲)، درست است که در سال های اخیر با توجه به بحران مالی جهانی، عکس العمل های متعددی را نسبت به بازاریابی رقابتی به خصوص بازارهای مالی شاهد هستیم که البته بسیاری از این عکس العمل ها و انتقادات بجا و قابل دفاع هستند ولی اگر به کشورهایی که با سرعت زیادی در حال توسعه هستند نگاه شود، کشورهایی مانند چین، هند و برزیل، آنها همچنان به سمت خلق و حفظ بازارهای رقابتی و رقابت بازار محور حرکت می کنند ولی آنها به این نکته پی برده اند که برای دستیابی به توسعه اقتصادی ممکن است مجبور شوند بعضی قسمت های اقتصاد کشور را به شدت تحت کنترل داشته باشند ولی در بسیاری از قسمت های اقتصاد، رقابت، بازار و رقابت در بخش خصوصی برای نیل به توسعه ضروری است.

^۱ Akinboade & Chanceline

^۲ Ostroy

۱۰۲.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

وقتی صحبت از رقابت پیش می‌آید نقش تجارت بین‌المللی بسیار پررنگ‌تر می‌شود که در این زمینه ایران دارای مشکلاتی است که باید حتماً آنها را حل کند. با نگاهی به کشورهای آسیایی در سال‌های اخیر با سرعت زیادی به توسعه نسبی اقتصادی دست یافته‌اند، چیزی که همه این کشورها در آن مشترک بودند داشتن بخش خصوصی قدرتمندی بود که در تجارت جهانی کاملاً درگیر بودند و در نهایت هم سهم زیادی از این توسعه اقتصادی از همین بخش خصوصی بوجود آمد (صدیق^۱، ۲۰۰۷: ۷-۸). وقتی صادرات این کشورها را بررسی می‌کنیم مثلاً چین که به برترین صادرکننده جهان تبدیل شده، کره با توجه به این که کشور کوچکی است سهم زیادی از صادرات بین‌المللی را به خودش اختصاص داده و ژاپن هم که در بین پنج صادرکننده برتر دنیا قرار دارد، آنها تمرکز بر صادرات را به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی انتخاب کردند، جایی که مجبور بودند در سطح جهانی رقابت کنند (همان: ۵۶). در مقابل آنها هم امتیازات رقابتی مناسبی داشتند که در مورد مثال‌های مطرح شده امتیاز اصلی نیروی کار ارزان قیمت بود که در کنار آن این کشورها توانستند امتیازات دیگری نیز به مرور زمان در تجارت کالاها ایجاد کنند، که این امر نه تنها از طریق تجارت کالا بلکه از طریق واردات تکنولوژی که در کشورهای توسعه یافته تولید شده بود، اتفاق افتاد.

نکته مهم در فرآیند توسعه اقتصادی این است که یک کشور برای اینکه بتواند به توسعه اقتصادی دست پیدا کند مجبور نیست در همه زمینه‌های اقتصادی به صورت کاملاً درست عمل کند، به عبارت دیگر شما می‌توانید بخش‌های قوی اقتصادی داشته باشید که کاملاً رقابتی بوده و در تجارت بین‌المللی حضور پررنگ داشته باشند و در همان زمان هم قسمت‌های مهمی از اقتصاد کشور را توسط قوانین سخت تحت کنترل و مالکیت دولتی داشته باشید و باز هم به توسعه اقتصادی دست پیدا کنید. علی‌الخصوص کشور چین آن را به ما می‌آموزد، در این کشور بیش از نیمی از بنگاه‌های غیر کشاورزی تحت کنترل دولت مرکزی قرار دارند که این رقم بسیار بالاست و تا کنون موفق شده‌اند با حفظ این شرایط به رشد بسیار خوبی دست پیدا کنند (کروگمن^۲، ۲۰۱۸: ۳۱).

^۱ Siddique

^۲ Krugman

۱۰۳ بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار

در اصول کلاسیک تجارت بین الملل تاکید بر استفاده از امتیاز رقابتی نسبی است، یعنی شما کالایی را صادر می کنید که در تولید آن امتیاز رقابتی دارید و کالایی را وارد می کنید که سایر کشورها در تولید آن امتیاز رقابتی دارند و هیچ کس این اصول را نفی نمی کند ولی عامل مهم دیگری که در این رابطه نباید فراموش کرد واردات تکنولوژی است که بهترین ابزار برای انجام آن از شرکت در تجارت بین المللی صادرات و واردات کالا و خدمات و همین طور جابجایی دانشجویان است. همه کشورهایی که به آنها اشاره کردم این کار را انجام داده اند، کره جنوبی یک مثال بسیار مناسب است، با نگاهی به دهه ۷۰ میلادی قرن بیستم اقتصاد این کشور به مراتب از اقتصاد ایران فقیرتر بود ولی امروز درآمد سرانه این کشور نزدیک به دو برابر کشور ایران است که این کشور را در بین کشورهای جهان در دهک های نیمه بالایی قرار می دهد، اقتصاد کره به بزرگی چین یا هند نیست و از ژاپن هم بسیار کوچک تر است و توانسته در طول این سال های با تمرکز بر روی صادرات که تقریباً تمام آن هم توسط بخش خصوصی انجام شده به این موفقیت دست پیدا کند. به همین دلیل کره مثال بسیار خوبی است علی الخصوص این کشور اصلاً نفت ندارد و تمام سوخت مورد نیاز خود را وارد می کند (همان: ۳۰۶). از طرف دیگر تقریباً تمامی آمارها و مطالعات انجام شده حاکی از آن است که شرکت های خصوصی بهره وری بسیار بالاتری از شرکت های دولتی در تمام دنیا دارند و بسیاری از شرکت های دولتی علیرغم استفاده از وام های یارانه ای همچنان زیان ده بوده و کارایی مناسبی ندارد، علاوه بر این ها دلایل سیاسی زیادی نیز در تمام دولت ها وجود دارد که باعث جلوگیری از کاهش سهم دولت از اقتصاد می شود ولی با این حال کشور چین توانسته است علیرغم وجود بخش عظیم اقتصاد دولتی که زیان ده هم هست به رشد چشم گیری دست پیدا کند.

امروزه اقتصادها بسیار وابسته به اطلاعات هستند، در اقتصاد مدرن اطلاعات حرف اول را می زند، اگر بتوانیم حجم بالایی از اطلاعات، دانش و مهارت ها را مدیریت نمائیم وضعیت مناسبی نخواهیم داشت و مطمئناً جزو کشورهای ثروتمند نخواهیم بود. تاثیر این امر را می توان در افزایش چشمگیر تقاضا برای آموزش عالی در دهه های گذشته مشاهده کرد. که این اتفاق تقریباً در تمام دنیا قابل مشاهده است، جدای میزان توسعه اقتصادی، منطقه، دهک های درآمدی و غیره. درست است که درصد دانشجویان در کشورهای پیشرفته به مراتب بیش از سایر کشورهای دنیاست ولی می توان

۱۰۴.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

ادعا کرد که در این مدت این میزان در تمام کشورها افزایش داشته و این افزایش در کشورهای در حال توسعه چندین برابر کشورهای توسعه یافته بوده است. افزایش چشم گیر تقاضا برای آموزش عالی از رشد سریع تکنولوژی و جهانی شدن بوجود آمده است که تقاضا را برای کارکنان متخصص افزایش داده است، یک صادرکننده برای تولید محصولات خود نیاز به تکنولوژی های جدید دارد، دسترسی به نیروی آموزش دیده نقش مهمی را در موفقیت ایفا می نماید که همین موضوع عامل اصلی افزایش تقاضا برای آموزش عالی می باشد.

موضوع دیگری که بر میزان موفقیت کشورها در تجارت جهانی و نیز جایگاه آنها در سطح جهان بسیار تاثیر گذار است، نرخ تبدیل ارز می باشد. نرخ تبدیل ارز بر میزان ثروت انباشته کشورها و نیز تورم آنها تاثیر به سزا دارد. یکی از مزایای داشتن نرخ ارز انعطاف پذیر این است که مقدار واقعی نرخ تورم یک کشور را مشخص می کند به صورتی که نرخ ارز آن ها تقریباً با همان شیئی که نرخ تورم بالا می رود، کاهش می یابد. به همین دلیل علائم بهتری از اوضاع اقتصادی کشور دریافت می کنید و در سیستم ارز انعطاف پذیر نمی توان تورم را پنهان نمود که این موضوع به نوبه خود باعث افزایش بهره وری می شود. در این سیستم نه تنها علائم درستی از هزینه های وارد کردن کالا از کشورهای دیگر مطلع می شوید بلکه به سایر کشورها هم علائمی مبنی بر هزینه های خرید کالا از خودتان ارسال می کنید، کشورهایی که از طریق قوانین، ارزش ارز را تغییر می دهند، بایستی به جای این کار از سیستم ارز انعطاف پذیر با یک نرخ مشخص استفاده نمایند. بسیاری از کشورها در ابتدای راه توسعه اقتصادی از یارانه ها برای کالاهای مختلف استفاده می کنند که این یارانه ها نه تنها به اقشار کم درآمد بلکه به اقشار متوسط و بالای جامعه نیز پرداخت می شود. به خصوص در کشورهای اصلی تولید کننده نفت مانند کشورهای خاورمیانه، بنزین جزء کالاهایی است که به آن یارانه تعلق می گیرد، چون به نظر می رسد که تولید نفت (و نه پالایش آن) فرآیندی بسیار ارزان قیمت است، ولی به هر حال این قیمت به شدت کمتر از قیمت جهانی بنزین است و این بدان معناست که با دادن یارانه به بنزین، در بازاری که می توانید نفت را به قیمت خوبی به فروش برسانید آن را به دور می ریزید. ممکن است بعضی ها مدعی شوند که یارانه ها راهی است برای کمک به فقرا ولی این راه بسیار بدی است زیرا حداقل در این مثال، می توان به جرات گفت که افراد فقیر یا ماشین ندارند و یا اگر هم دارند آنقدر از آن استفاده نمی کنند در نتیجه حجم زیادی از یارانه ها به سمت طبقات میانی و بالای جامعه می رود. به عبارت دیگر می توان گفت با دادن یارانه

۱۰۵..... بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار

به بنزین داریم به اقشار متوسط و رو به بالا کمک می‌کنیم، زیرا در این حالت نه تنها یارانه‌ها به اقشار ضعیف نمی‌رسد بلکه مصرف زیاد را تشویق می‌کنیم و همین‌طور استفاده از خودروهایی که مصرف سوخت بالایی دارند، به عبارت دیگر چون سوخت ارزان است همچنان از خودروهای قدیمی غیر بهینه استفاده می‌شود (آراسکات^۱، ۲۰۰۳: ۸۳-۸۰). عوامل متعددی مانع از توسعه یافتگی کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه می‌شوند که عبارتند از:

۱- اتکای زیاد به انحصارهای دولتی و غیر دولتی؛

۲- اتکای زیاد به دادن یارانه مخصوصاً به بعضی بخش‌های خاص اقتصاد؛ و

۳- اتکای بیش از حد به نفت.

نفت مشکل اقتصاد نیست و می‌تواند محرک بسیار خوبی برای اقتصاد باشد ولی متأسفانه برای بسیاری از کشورها، نفت تبدیل به یک مشکل می‌شود زیرا سهل الوصول بودن آن و درآمدی که برای کشور ایجاد می‌کند باعث می‌شود که این تصور در کشور بوجود آید که نیازی نیست مردم برای پیشرفت در سایر بخش‌های اقتصادی هم تلاش کنند، در نتیجه بیشتر از آنکه مردم کشور از توانایی‌های انسانی بهره‌برداری کنند از درآمد نفت بهره‌برداری می‌کنند. کشورهای در حال توسعه عمدتاً نیروی انسانی بسیار غنی دارند و باید از آن استفاده نمایند. بهتر است اقتصاد را طوری مدیریت کنیم که انگار نفت نداریم و وقتی موفق شدیم این کار را انجام دهیم درآمد نفت را به آن اضافه کنیم که در این حالت سرعت توسعه و رشد اقتصادی چندین برابر خواهد شد.

در حوزه توسعه اقتصادی می‌توان به سیاستگذاری عمومی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد. سرمایه‌گذاری خارجی به دو شاخه عمده تقسیم می‌شود. اول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دیگر سرمایه‌گذاری غیر مستقیم. سرمایه‌گذاری مستقیم یعنی دخالت مستقیم در بازار کار و سرمایه یک کشور خارجی از طریق وارد کردن سرمایه یا ایجاد شرکت در آن کشور یا سهام شدن در یک شرکت موجود بحدی که سرمایه‌گذار بتواند در آن شرکت تأثیرگذار باشد. صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان یک سرمایه‌گذاری که جهت کسب منفعتی پایدار در یک بنگاه اقتصادی فعال در اقتصادی غیر از اقتصاد کشور سرمایه‌گذار

^۱ Arscott

۱۰۶.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از آن، برخورداری از یک گزینه‌ی مؤثر در مدیریت بنگاه مزبور است، تعریف می‌کند (سرناراجا^۱، ۲۰۱۰: ۷). سرمایه‌گذاری غیرمستقیم به صورت خرید سهام و موارد مشابه در یک کشور خارجی است بدون اینکه خریدار در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه مؤثر باشد. در نظام تقنینی ما سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم در همه حوزه‌های اقتصادی و تجاری که بخش خصوصی مجاز به فعالیت در آن است، امکانپذیر می‌باشد. اما در بخش عمومی و دولتی سرمایه‌گذاری تنها باید در چارچوب ترتیبات قراردادی صورت گیرد.

صلح و امنیت بین‌المللی یکی از مهمترین اهداف نگارندگان منشور ملل متحد است این فاکتور در سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. با آغاز جنگ سرد و درگیری‌های نیابتی بین طرفداران دو بلوک شرق و غرب و جهان در چیزی حدود چهار دهه جنگ سرد همواره در حال نزاع بود و ملتها زمان مناسبی برای پرداختن به مباحث توسعه‌ای نداشتند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی حاکم بر جهان و آغاز هزاره جدید، جامعه جهانی به مبحث توسعه و افزایش توان اقتصادی ملل مختلف از طریق پرداختن به موضوعات تجاری و اقتصادی بین‌المللی و ارتقاء تکنولوژی و دانش تولید علاقه‌فرآینده‌ای نشان داد (کریش^۲، ۲۰۱۷: ۳۴). شاید این تعبیر که قرن بیست و یکم، قرن جهانی سازی در کلیه سطوح است از اقتصاد در یک فضای کلی گرفته تا فرهنگ که با جزئی‌ترین امور در ارتباط است. قرن بیست و یکم دوران رسانه‌های اجتماعی است، دورانی است که ملل مختلف بدون استفاده از ابزارهای ارتباطی دولتی و بطور مستقل و مستقیم با تفکرات و سبک زندگی یکدیگر آشنا می‌شوند. همین امر باعث بالا آمدن سطح تقاضای ملتها از دولتهایشان می‌شود.

این نکته حائز اهمیت است که بگوییم مردمان این قرن هیچ چیزی را بیشتر از صلح، امنیت و رفاه اقتصادی و اجتماعی نمی‌خواهند و برای تحقیق این امور ابتدا باید آتش جنگ فروکش کند. همانطوریکه منشور ملل متحد در اهدافش متذکر شده است، تلاش منشور ترغیب دولتها به مذاکره و حل و فصل اختلافات از طرق صلح آمیز است، بر همین اساس است که می‌توان فهمید ابتدایی‌ترین مرحله برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه ملل در قرن جدید نیازمند برقراری صلح و ترغیب دولتها به حل و فصل اختلافات بدون پرداختن به مخاصمات مسلحانه است (همان: ۱۷). دولتها-

^۱ Sornarajah

^۲ Carisch

۱۰۷ بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار

ملتها در سایه صلح می توانند برنامه های توسعه را به خوبی البته به شرط وجود ثبات سیاسی و اراده کافی به سرانجام رسانند.

سرمایه گذاری خارجی در واقع تحصیل دارایی شرکت ها، موسسات و افراد سایر کشورها است که به صورت معمول در شکل سرمایه گذاری خارجی در سبد مالی است که به آن سرمایه گذاری غیر مستقیم^۱ نیز می گویند و از طریق خرید سهام و اوراق قرضه در بورس توسط سرمایه گذاران خارجی صورت می گیرد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۲ که کشور یا سرمایه گذار خارجی مستقیماً و یا با مشارکت سرمایه گذاران داخلی مبادرت به سرمایه گذاری می کند صورت می گیرد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در شرکتهایی موثر است که به نحو موثری توسط افراد یا موسسات خارجی کنترل می شوند. شکل عمومی این سرمایه گذاری در شعبه ها و واحد های تابعه شرکتهای فراملیتی متجلی می شود. تعیین اینکه یک شرکت توسط خارجیان بطور موثری کنترل می شود یا نه، کار چندان ساده ای نیست (لی و سیلوور^۳، ۲۰۱۲: ۶۴۴). از این لحاظ، ضوابطی برای این منظور در نظر گرفته می شود که شامل، مالکیت پنجاه درصد یا بیشتر از سهامی که حق رای دارد توسط خارجیان، مالکیت بیست و پنج درصد یا بیشتر سهام توسط یک فرد یا بنگاه خارجی، حضور گروه های خاص خارجی در هیئت مدیره می باشد.

سرمایه گذاری مستقیم می تواند به صورت سرمایه گذاری جدید، سرمایه گذاری مجدد از درآمدها و یا وام از یک شرکت مادر یا شرکت تحت کنترل آن تامین گردد (چادهوری^۴، ۲۰۱۴: ۶). سرمایه گذاری مستقیم را می توان به کمک این ضابطه که برای کسب منافع پایدار و نیز قدرت لازم در مدیریت بنگاه صورت می گیرد، از سرمایه گذاری غیرمستقیم باز شناخت. اما خصوصیت بارز این سرمایه گذاری ها آن است که سرمایه گذاریهای خارجی صرفاً یک سرمایه گذاری نیست، بلکه انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارتهای مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز می تواند به همراه داشته باشد که ممکن است اهمیت آن برای کشور پذیرای سرمایه گذاری مهمتر از ورود سرمایه صرف باشد (همان: ۸). در سرمایه گذاری مستقیم، کشور یا شرکت سرمایه گذار مسئولیت امور مالی شرکت تولیدی و یا تجاری را در

^۱ Foreign Portfolio Investment (FPI)

^۲ Foreign Direct Investment (FDI)

^۳ Li & Selover

^۴ Chaudhury

۱۰۸.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸
کشور سرمایه پذیر بر عهده دارد و اداره و کنترل شرکت جزء وظایف شرکت سرمایه گذار محسوب می شود.

سرمایه گذاری در سبد مالی (غیر مستقیم)، تمام سرمایه گذاری های یک شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم در یک کشور در اوراق بهادار یک بنگاه مقیم در کشور دیگر را در بر می گیرد. هدف از این نوع سرمایه گذاری تحصیل حداکثر سود از طریق تخصیص بهینه سرمایه در یک پرتوی بین المللی است. سرمایه گذار در جهت نیل به این هدف با خرید اوراق قرضه و سهام شرکتها در معاملات بورس و حتی سپرده گذاری بلند مدت در بانکهای دیگر کشورها، اقدام به تخصیص بهینه ثروتش می کند تا بدین ترتیب، ریسک سرمایه گذاری ثروتش را کاهش دهد و درآمد زیادتری بدست آورد. در این نوع از سرمایه گذاری خارجی، بر خلاف سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه گذار در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست.

شرکت سرمایه گذاری خارجی ممکن است سرمایه مورد نظر را به صورت سرمایه گذاری مستقل تامین کند و یا فعالیتهای اقتصادی خود را در قالب سرمایه گذاری های مشترک^۱ انجام دهد. سرمایه گذاری مستقل خارجی از نظر حقوقی همان شرکتهای فرعی با مالکیت صددرصد خارجی هستند. شرکت های فرعی معمولاً دارای تابعیت کشور میزبان هستند ولی همه و یا اکثریت سهام و سرمایه آنها متعلق به شرکت خارجی سرمایه گذار است (همان ۹۰). در سرمایه گذاری خارجی از نوع مشترک، هزینه های سرمایه گذاری و منافع حاصله از آن به تناسب بین سرمایه گذاران داخلی و خارجی تقسیم می شود. امروزه، بیشتر کشورهای در حال توسعه این نوع سرمایه گذاری خارجی را به دلیل منافی که بر آن مترتب است بر سایر اشکال سرمایه گذاری خارجی ترجیح می دهند. سرمایه گذاری خارجی مشترک دارای مزایایی شامل، امکان ادغام سرمایه گذاری داخلی و خارجی در نظام اقتصادی- اجتماعی کشور میزبان و فراهم کردن زمینه تولید صنعتی مدرن و بهره مند شدن سرمایه گذار داخلی از تخصص شرکت سرمایه گذاری در فعالیتهای صنعتی مدرن و تکنولوژی جدید می باشد. همچنین در این شیوه سرمایه گذاری، سرمایه گذار محلی می تواند از مدیریت کارآمد مشترکی بهره مند شده و تجربه لازم را در این باره بدست آورد. سرمایه گذاری خارجی مشترک امکان سرمایه گذاری مجدد از سود حاصله شرکت در کشور میزبان فراهم شده

^۱ Joint Venture

۱۰۹ بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار

و سرمایه گذار خارجی در سود و زیان سرمایه گذاری مشترک سهام است و در صورت زیاد دهی شرکت، در این شیوه به سرمایه گذار خارجی پرداختی صورت نمی گیرد. از این جهت فشار مالی این گونه سرمایه گذاری ها برای کشور های در حال توسعه به مراتب کمتر از اخذ وام و اعتبار بوده است که در هر صورت دریافت کننده مسئول باز پرداخت اصل و بهره آن است.

انگیزه اصلی هر سرمایه گذار خارجی تحصیل حداکثر سود است، اما در کنار این مسئله اهداف دیگری را نیز دنبال می کند. حصول اطمینان از قوام تامین مواد اولیه، بهره گیری از نیروی کار و احتمالاً مواد معدنی و سایر مواد اولیه ارزان قیمت، اقدام به فعالیتی نظیر بانکداری و بیمه گری که در عین سود آوری، شرکتهای خودی یا کشور موطن را حمایت کنند، کمبود فرصتهای سرمایه گذاری و وجود رقابت شدید در موطن اصلی و یا بالا بودن نرخ مالیاتها جزء اهدافی است که سرمایه گذار خارجی در کشور های هدف سرمایه گذاری آن ها را مورد توجه قرار می دهد. توسعه در میان ملل مختلف برداشتهای متفاوتی دارد و از این جهت است که در بسیاری از موارد، مفاهیم گوناگونی از توسعه یافتگی و در نتیجه آثار مربوط به سرمایه گذاری خارجی مطرح می شود نیز متفاوت است.

سرمایه گذاری خارجی می تواند در بعضی از پارامترهای اقتصادی کلان مانند تولید ناخالص داخلی، حجم سرمایه گذاری، میزان پس انداز، نرخ رشد تراز پرداختها، حجم بازرگانی خارجی و نرخ ارز اثرگذار باشد و در این مفاهیم اختلاف نظر زیادی وجود ندارد. آنچه موجب ایجاد این اختلاف نظر است، چگونگی این تاثیر و میزان زیانهای احتمالی و هزینه های متقابل آن است. این نوع سرمایه گذاری را راهی برای از میان برداشتن تفاوت میان مقادیر موجود و لازم رسیدن به هدفها و نیازهای توسعه ملی دانسته و سرمایه گذاری خارجی را راهی برای پر کردن این فاصله ها می دانند (لی و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۵۶۰). در این نوع نگاه، سرمایه گذاری خارجی بر کمیت هایی مانند پس انداز، ذخایر ارزی، دریافت های دولت، تحصیل مهارتها و دانش فنی، تامین بازار، حضور در اقتصاد جهانی و بازارهای مالی و بین المللی، اثرات مثبتی دارد. بی تردید سرمایه گذاری خارجی در مورد تامین ارز، تنها می تواند در کوتاه مدت کسری حساب جاری تراز پرداختها را

^۱ Leea, Kwakb & Aekim

۱۱۰.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

کاهش دهد و اگر سرمایه گذاری های بلند مدت با امکانات نسبی لازم صورت گرفته باشند، قادر به تولید و صادرات کالا و از میان برداشتن کسری آنها خواهد بود.

سرمایه گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه درحد سرمایه گذاری مالی متوقف نیست بلکه مجموعه ای از عناصر و عوامل را بویژه با شرایط امروز اقتصاد جهانی با خود به همراه می آورد که از اهمیت زیادی برخوردار است. تجارب همراه سرمایه گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه موجب ایجاد تحول بزرگی در راه توسعه اقتصادی کشورهای مذکور شود. کار با سرمایه گذاری خارجی به برنامه های آموزشی و یادگیری از طریق انجام کار منجر می شود و کشورهای هدف به کمک این سرمایه گذاری ها می آموزند که چگونه باید با بازارها، بانکها و منابع تامین مالی خارجی رفتار کنند(آمندولاگین و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۷۵-۷۴). تکنولوژی تولید، ماشین آلات و تجهیزات مدرن ره آورد سرمایه گذاری موفق و برنامه ریزی شده خارجی است، زیرا سرعت تولید علم و دانش و فناوری و تحولات تکنولوژیکی در جهان امروز و در کشورهای صنعتی با چنان سرعتی پیش می رود که بدون همکاری و بهره گیری از دانش این کشورها دستیابی به آن برای کشورهای در حال توسعه امکان پذیر نمی باشد.

به نظر می رسد از یک طرف پتانسیل های فضای کسب و کار کشورهای در حال توسعه، جذابیت های زیادی برای سرمایه گذاران خارجی دارد، اما از طرف دیگر، زیرساخت های لازم و پیش نیازهای جذب سرمایه گذار خارجی در اکثر شرکت های داخلی این کشورها، همچنین فضای کسب و کار به اندازه کافی فراهم نشده است. بنابراین ایجاد شرایط ایده آل جهت آماده سازی شرایط به منظور جذب سرمایه های خارجی، نیازمند عزم و حرکت وزارتخانه ها و ارگان های دولتی مرتبط با امر سرمایه گذاری در این کشورها است. جهت آماده سازی فضای کسب و کار، همچنین عزم و حرکت صاحبان کسب و کارهای داخلی جهت آماده سازی شرکت ها است که بر اساس تجربه کشورهای دیگر، فرآیندی بلندمدت است و بدون برنامه ریزی و هدف گذاری های منسجم، دست یافتنی نخواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

توسعه همیشه یک مفهوم بحث انگیز بوده است همانند صلح، امنیت و حقوق بشر. این مقوله درسالهای اخیر توجه زیادی را در سازمان ملل به خود جلب کرده است حق توسعه حاصل یک

^۱ Amendolagine & others

بررسی رابطه حق توسعه و ارتقاء توسعه پایدار..... ۱۱۱

تحول مفهومی در درون این سازمان است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی در ۱۹۶۶ زمینه ساز تولد حق توسعه می باشد. تجربه استعمار زدایی نیز باعث تقویت زمینه شکل گیری حق توسعه شد برگزاری کنفرانس استکهلم سازمان ملل درباره محیط زیست موجب گردید که مفهوم توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته و برداشت های جدیدی از رشد اقتصادی همراه با حفاظت زیست محیطی ارائه شود. هر چند که در ادبیات تولید شده توسط سازمان ملل حق توسعه به منزله بخشی از حقوق بشر معرفی و حتی دارای توان بالقوه یکپارچه نمودن حقوق بشر تلقی شده است، با این وجود روابط بین حقوق بشر و توسعه هرگز در تئوری و عمل سازمان ملل مشخص و روشن نبوده است.

حق بر توسعه یکی دیگر از محورهای چهارگانه نسل سوم حقوق بشر می باشد. توسعه مفهومی است که با اهداف مختلف و در عرصه های گوناگون به کار رفته است. صرف نظر از برداشت های مختلف موجود در مورد این مفهوم، آنچه در تمامی این برداشت ها مورد نظر است عبارتست از پیشرفت و بهبود از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب. وضعیت مطلوب از منظر عامه عبارتست از بهبود وضعیت رفاه که مهمترین آن معیشت بوده که دغدغه اصلی دولت ها نیز محسوب می گردد. به عبارت دیگر رشد اقتصادی مهمترین عامل در تفسیر توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی یک کشور بوده که با مؤلفه های خاص خود از جمله تولید ناخالص ملی و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد. در واقع توسعه یافتگی یک کشور بدون رشد اقتصادی معنا و مفهوم نمی یابد از این رو دولت ها تمایل دارند با تسهیل و گسترش حوزه فعالیت های اقتصادی، تجاری و سرمایه گذاری خود، ضمن بهبود رشد اقتصادی و به تبع آن رفاه اجتماعی مردم، توان نقش آفرینی خود در عرصه بین المللی را نیز تقویت بخشند.

اجلاس جهانی توسعه اجتماعی که در روزهای ششم تا دوازدهم مارس ۱۹۹۵ در کپنهاگ تشکیل گردید، حرکتی ارزنده در شفاف سازی محتوای حق توسعه می باشد. در این اجلاس برای اولین بار جامعه جهانی، تعهد خود نسبت به ریشه کن کردن فقر مطلق را اعلام می نماید. اجلاس توسعه اجتماعی این نکته را روشن نمود که قدرت بخشیدن به جامعه مدنی برای سلامت توسعه اجتماعی یک شرط ضروری اعلام شده است. بیانیه سیاسی کپنهاگ مشتمل بر یک مقدمه و ده تعهد است. مقدمه این بیانیه بر بررسی اهداف مذاکرات اجتماعی بطور مجمل اشاره می کند. در این بخش از

۱۱۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بیانیه به این مسئله که جوامع می‌بایست بطور موثری به نیازهای مادی و معنوی افراد خانواده جوامع پاسخ گویند، اعتراف شده است. مقدمه بیانیه رابطه بین توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی را از سویی و امنیت بین‌المللی از سوی دیگر را روشن می‌نماید. مقدمه بیانیه دموکراسی و نظارت مسئولانه را از شرایط تحقق توسعه مستمر اجتماعی و مردم‌گرا می‌داند و تاکید می‌کند که مردم هسته مرکزی توسعه مداوم را تشکیل می‌دهند بخش‌هایی مقدمه به اصول و اهداف اجلاس می‌پردازد. در واقع هدف عمده دستیابی به رشد اجتماعی مردم - مدار عنوان شده که بتواند چه در آینده ما را در ساختن فرهنگی مبتنی بر همکاری و مشارکت و در پاسخگویی به نیازهای مبرم مردمی که بیشترین آسیب‌پذیری در برابر نابسامانی‌های جامعه بشری را دارا هستند، رهنمون گردد.

حق توسعه جزئی از حقوق بشر می‌باشد و جزء حقوق اساسی که ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان است. پیش‌ترح حقوق بشر که توسط بنیاد بین‌المللی برای حقوق بشر تدوین شده است، حق توسعه را چنین تعریف می‌کند: حقوقی است که بهره‌مندی تمامی انسان‌ها از زن و مرد را در یک سهم عادلانه و متناسب از اموال و خدمات تولیدی جامعه جهانی فراهم می‌کند. در این برداشت، هم به سهم دولت‌ها در تقسیم عادلانه کار بین‌المللی و هم به حق توسعه فردی توجه شده است. همچنین همبستگی ملی و بین‌المللی مبنای اصل توسعه تلقی شده و عدالت‌گرایت و هدف توسعه قلمداد شده است. هر چند که رویکرد نسبت به حق توسعه به مثابه یک مسئله چند بعدی دیدگاه غالب را بین صاحب‌نظران تشکیل می‌دهد، با این وجود طبق دیدگاه دیگری حق توسعه یک حق فردی است که به انسان بطور مستقل از جامعه اش تعلق می‌گیرد. به نظر نمی‌رسد که تاکید بر جنبه فردی یا جمعی حق توسعه بتواند تأثیری بر ماهیت و محتوای این حق داشته باشد، چرا که در تحلیل‌هایی این انسان است که هم محور و هم غایت توسعه می‌باشد.

علل و انگیزه‌های جریان سرمایه بین‌کشوره‌های مختلف تا حدود زیادی با علل و انگیزه‌های انتقال سرمایه بین بازارهای مختلف در داخل یک کشور یکسان هستند. عوامل اقتصادی، مالی، فنی (سود و بازدهی، تغییرات نرخ ارز، کسری بودجه، اثرات مالیات‌های داخلی) عوامل حمایتی (بیمه سرمایه‌گذار، حمایت‌های دولت، سیاست‌های تجاری و ارزی مناسب، بازارهای پولی و مالی)، عوامل سیاسی، عوامل جغرافیایی در واقع عواملی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اقدام کرد. بازدهی مورد انتظار در انتقال سرمایه، اصلی‌ترین عامل است. از آنجائیکه

کشورهای در حال توسعه دارای نیروی کار فراوان، مواد اولیه ارزان و بازارهای مصرفی اشباع نشده هستند، توجیه اقتصادی مناسب برای انتقال سرمایه به این کشورها مشروط به وجود سایر عوامل، وجود خواهد داشت. مسئله نرخ ارز یکی از عوامل تعیین کننده در محاسبه سودآوری و کارآیی پروژه های سرمایه گذاری است و این موضوع می تواند کل فرآیند سرمایه گذاری و انتقال وجوه سرمایه به داخل اقتصاد کشورهای در حال توسعه را تحت الشعاع قرار دهد. همچنین ثبات نرخ ارز باعث اطمینان در محیط اقتصادی داخلی می شود و در نتیجه سرمایه گذاران می توانند با سهولت بیشتری در مورد سرمایه گذاری در زمان حال و آینده تصمیم گیری کنند.

وضعیت مالی دولت نیز سرمایه گذاری و جریان سرمایه را تحت تاثیر قرار می دهد. چنانچه دولت با کسری مواجه باشد و آن را با انتشار اسکناس تامین کند، فشارهای تورمی بوجود خواهد آمد و اگر از طریق فروش اوراق قرضه و استقراض از خارج باشد نیز خروج سرمایه از کشور را تشویق می کند، زیرا فروش اوراق قرضه و استقراض از خارج جزء تعهدات کشور است که باید در آینده باز پرداخت شود. هنگامی که یک شرکت چند ملیتی تصمیم به سرمایه گذاری می گیرد، به دنبال تخصیص سرمایه بین مناطق مختلف، به گونه ای است که بتواند حداکثر سود خالص را بعد از کسر مالیات ها کسب کند و بدنبال تامین این اهداف، تمامی شرایط را در انتخاب کشور میزبان مورد ارزیابی قرار می دهد. علاوه بر انگیزه های اقتصادی، مالی و فنی، سرمایه گذاری تابع عوامل حمایتی نیز هست. عمده ترین عواملی که موجب تقویت انگیزه های حمایتی می شوند. همچنین یکی از مهمترین عوامل جذب سرمایه های خارجی، سیاستهای حمایتی دولت است. نحوه سرمایه گذاری دولت در بخشهای اقتصادی نقش مهمی را در حیطه عمل بخش خصوصی (چه داخلی یا خارجی) بازی می کند. سرمایه گذاریهای دولت باید باعث تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری شده و بلند مدت و زیر بنایی و مکمل سرمایه گذاری بخش خصوصی باشد. امتیاز خروج سود ویژه سرمایه گذار خارجی برای او انگیزه سرمایه گذاری بیشتری را ایجاد خواهد کرد، چرا که یک سرمایه گذار خارجی نه تنها به سودآوری پروژه می اندیشد، بلکه قابل انتقال بودن آن را نیز در نظر می گیرد.

چنانچه شرایط سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین شود، سرمایه گذاران بین المللی میل و رغبت بیشتری برای حضور در این گونه بازارها خواهند

۱۱۴.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

داشت که این امر به کشور های میزبان نیز فرصت بهره گیری از مزیت های نسبی، رشد اقتصادی، اشتغال زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز برای تولید کالاهای رقابتی در عرصه بین المللی را می دهد. بنابراین، تسریع جریان ورود سرمایه گذاری خارجی منافع متقابلی را برای کشورهای میزبان و سرمایه گذاران بین المللی فراهم می سازد. در نتیجه به منظور کسب بیشترین منفعت از سرمایه گذاری خارجی و افزایش توان جذب آن در کشور های در حال توسعه ای مانند ایران بایستی ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی، بهبود زیر ساختها، وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب مورد توجه جدی قرار بگیرد. توجه ویژه به چنین زیر ساخت هایی موجب دست یابی به رقم بالایی از جذب سرمایه های خارجی در میان کشور های منطقه شده و روند توسعه یافتگی را سهل تر و آسان تر می نماید. اهتمام ویژه مسئولین ذیربط بر مقوله امنیت سرمایه گذاری و توجه جدی به جذب آن از خارج باعث جلو بردن پروژه های صنعتی کشور و افزایش قابلیت اعتماد زیر ساخت های توسعه ای و در نتیجه اقتصادی خواهد شد و کشور را از بحران های مختلف اقتصادی آینده جهان که فقر و بیکاری مهمترین شاخص آن در کشور های توسعه نیافته است نجات خواهد بود.

نکته آخر و بسیار مهم رابطه بین اجرا، احترام و رعایت حقوق بشر است و تعاملی که باید بین این مقوله و بحث توسعه پایدار برقرار شود است. بحثی که در اینجا صورت می گیرد این است که اجرای سیاستهای توسعه ای نوعاً منجر به بهبود وضعیت حقوق بشر و پایبندی دولتها به رعایت حقوق شهروندان خواهد شد. این بحث یکی از محورهای اصلی بحث توسعه پایدار و اهداف توسعه پایدار است و در واقع دیدگاهی که در دکترین حکمرانی مطلوب در ارتباط با دولت شفاف و پاسخگو به تک تک شهروندان یک جامعه مطرح می شود. باید به این نکته توجه نمود که توسعه اقتصادی و تجارت آزاد جز در سایه رعایت حقوق بشر و حقوق خصوصی افراد رد جامعه محقق نخواهد شد و این یکی از مهمترین ابزارهای سنجش میزان ریسک پذیری در سرمایه گذاری مستقیم خارجی است.

منابع

- Acton, John, The Cambridge Modern History, Vol ۱: The Renaissance, (London: Cambridge University Press, ۱۹۰۷).
- Arner, Douglas, Financial Stability, Economic Growth, and the Role of Law, (London: Cambridge University Press, ۲۰۰۷).

- Carisch, Enrico; Rickard-Martin, Loraine & Meister, Shawna, *The Evolution of UN Sanctions: From a Tool of Warfare to a Tool of Peace, Security and Human Rights*, (Berlin: Springer Press, ۲۰۱۷).
- Chaudhuri, Sarbajit & Mukhopadhyay, Ujjaini, *Foreign Direct Investment in Developing Countries: A Theoretical Evaluation*, (Berlin: Springer, ۲۰۱۴).
- De Schutter, Olivier; Swinnen, Johan & Wouters, Jan, *Foreign Direct Investment and Human Development: The law and economics of international investment agreements*, (New York: Routledge, ۲۰۱۴).
- Hiskes, Richard, *The Human Right to a Green Future: Environmental Rights and Intergenerational Justice*, (London: Cambridge University, ۲۰۰۹).
- Huntington, Samuel, *Political Order in Changing Societies*, (New Haven: Yale University Press, ۲۰۰۶).
- Joseph E. Stiglitz, *Making Globalization Work* (W. W. Norton, ۲۰۰۶).
- Krapivin, Vladimir and Varotsos, Costas, *Globalization and Sustainable Development Environmental Agendas*, (Chichester: Springer and Praxis Publishing Ltd, ۲۰۰۷).
- Krugman, Paul; Obstfeld, Maurice & Melitz, Marc, *International Trade: Theory & Policy*, (London: Pearson, ۲۰۱۸).
- Langford, Malcolm, *The Millennium Development Goals and Human Rights, Past, Present and Future*, (London: Cambridge University Press, ۲۰۱۳).
- Nafziger, Wayne, *Economic Development – ۴th edition*, (London: Cambridge University Press, ۲۰۰۶).
- Pawar, Manohar and Midgley, James, *Future Directions in Social Development*, (New York: Palgrave Macmillan, ۲۰۱۷).
- Rabie, Mohamed, (۲۰۱۶), *A Theory of Sustainable Sociocultural and Economic Development*, (Hampshire: Palgrave Macmillan).
- Rist, Gilbert, *The History of Development: From Western Origins to Global Faith*, (London: Zed Book, ۲۰۰۸).
- Rizescu, Victor, *Development, Left and Right: Ideological Entanglements of Reformist Projects in Pre-Communist Romania*, (Bucharest: University of Bucharest, ۲۰۱۸).
- Siddique, M.A.B., *Regionalism, Trade and Economic Development in the Asia-Pacific Region*, (Cornwall: Edward Elgar, ۲۰۰۷).
- Sornarajah, M, *The International Law on Foreign Investment*, (London: Cambridge University Press, ۲۰۱۰).
- Sussangkarn, Chalongsob & Others, *Foreign Direct Investments in Asia*, (New York: Routledge, ۲۰۱۱).
- Articles:*
- Akinboade, Akinloye & Kinfaek, Chanceline, “An Econometric Analysis of the Relationship between Millennium Development Goals, Economic Growth and Financial Development in South Africa”, *Social Indicators Research*, Vol. ۱۱۸, ۷۷۵-۷۹۵, (۲۰۱۳).
- Amendolagine, Vito & Others, “*Local Sourcing in Developing Countries: The Role of Foreign Direct Investments and Global Value Chains*”, *World Development*, Vol. ۱۱۳: ۷۳-۸۸, (۲۰۱۵).

۱۱۶.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- Arico, Salvatore, *The Contribution of the Sciences, Technology and Innovation to Sustainable Development: the Application of Sustainability Science from the Perspective of UNESCO's Experience*, New Directions in Sustainability Science, Springer Japan, Vol. ۹: ۴۵۳-۴۶۲, (۲۰۱۴).
- Arcott, Lyn, "Sustainable Development in the Oil and Gas Industry", *Journal of Petroleum Technology*, Vol. ۵۵(۰۹): ۷۹-۸۳, (۲۰۰۳).
- Castro, Fidel, *Non-Aligned Movement Demands Peace and Economic Development*, *The Black Scholar*, Vol. ۱۸, No. ۲, pp. ۱۷-۲۴, *Eighth Non-Aligned Summit Harare-1986* (۱۹۸۷).
- Clement, Keith, "Environment and Sustainable Regional Development", *European Environment*, Vol. ۱۵: ۲۶۳-۲۶۵, (۲۰۰۵).
- Coyle, Diane, *GDP: A Brief but Affectionate History*, (New Jersey: Princeton University Press, ۲۰۱۴), p.p. ۱-۶.
- Fuentes, Ximena, "International Law-Making in the Field of Sustainable Development: The Unequal Competition between Development and the Environment", *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, Vol. ۲: ۱۰۹-۱۳۳, (۲۰۰۲).
- Holland, Dawn & others, *Global Prospects and Sources of Economic Growth*, *National Institute Economic Review*, No. ۲۱۲, (۲۰۱۰).
- Leea, Jeoung; Kwakb, Jooyoung & Ae Kim, Kyoung, "Subsidiary Goals, Learning Orientations, and Ownership Strategies of Multinational Enterprises: Evidence from Foreign Direct Investments in Korea", *Asia Pacific Business Review*, Vol. ۲۰, No. ۴: ۵۵۸-۵۷۷, (۲۰۱۴).
- Nelson, Paul and Dorsey, Ellen, *At the Nexus of Human Rights and Development: New Methods and Strategies of Global NGOs*, *World Development Journal*, Vol. ۳۱, No. ۱۲, pp. ۲۰۱۳-۲۰۲۶, (۲۰۰۳).
- Ostroy, Joseph & Makowski, Louis, "Perfect Competition and the Creativity of the Market", *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXIX, ۴۷۹-۵۳۵, (۲۰۰۱).
- Wu, Jun; Li, Shaomin & Selover, David, "Foreign Direct Investment vs. Foreign Portfolio Investment the Effect of the Governance Environment", *Manag International Review*, Vol. ۵۲: ۶۴۳-۶۷۰, (۲۰۱۲).
- Declarations, Resolutions and others:*
- Declaration on the Right to Development, General Assembly Resolution ۴۱/۱۲۸, ۱۹۸۶.
- International Convention on Economic, Social and Cultural Rights, ۱۹۶۶.
- Rio Declaration on Environment and Development, ۱۶ June ۱۹۹۲.
- United Nations International Conference on Human Rights, (۱۹۶۸).
- United Nations Conference on Trade and Development.
- Universal Declaration of Human Rights, (General Assembly resolution ۲۱۷ A), ۱۹۴۸.